

## تاریخ روز پایان نظم شاهنامه

در پایان بیشتر دستنویسهای کامل شاهنامه، روز پایان نظم پادشاهی یزدگرد سوم، روز ارد از اسفندارمذ یاد شده است. از آن جایی که این تاریخ روز در اکثر دستنویسها در ارتباط با تاریخ سال پایان نظم شاهنامه آمده است، پس به احتمال بسیار تاریخ روز پایان نظم شاهنامه نیز هست. ولی از سوی دیگر، چون در دستنویسهای شاهنامه برای تاریخ سال پایان نظم کتاب دو تاریخ آمده، یکی سال ۳۸۴ هجری و دیگری سال ۴۰۰ هجری،<sup>۱</sup> از این رو روشن نیست که تاریخ روز ارد اسفندارمذ، یعنی ۲۵ اسفند، در اصل مربوط به سال پایان نخستین نظم شاهنامه، یعنی سال ۳۸۴ بوده، یا مربوط به سال پایانی آن که سال ۴۰۰ هجری باشد. پاسخ به این پرسش موضوع این گفتار است. نخست نگاهی به دستنویسها می اندازیم:

از میان پانزده دستنویس اساس تصحیح نگارنده، در ۱۰ دستنویس تاریخ ۲۵ اسفند با سال ۴۰۰ هجری مرتبط است. این دستنویسها<sup>۲</sup> عبارتند از: ل (مورخ ۶۷۵ هجری)، س (۷۳۱)، لن (۷۳۳)، ق (۷۴۱)، ک (۷۵۲)، لی (۸۴۰)، و (۸۴۸)، لن<sup>۳</sup> (۸۴۹)، آ (۸۵۲) و ل<sup>۴</sup> (۸۹۱). ولی در میان دو بیتی که به ترتیب تاریخ روز و تاریخ سال را دارند، ۴۴ بیت فاصله افتاده است که در نتیجه ارتباط آنها از هم گسسته و از اعتبار گزارش آن کاسته شده است. متن این دو بیت در این دستنویسها چنین است:

سرآمد (س، لی: به سرشد) کنون قصه یزدگرد      به ماه اسفندارمذ روز ارد<sup>۳</sup>  
زهجرت شده پنج هشتاد بار      به نام جهانداور کردگار

در مقابل در ۴ دستنویس تاریخ روز ۲۵ اسفند با سال ۳۸۴ هجری مرتبط است. این دستنویسها عبارتند از: ق<sup>۲</sup> (۷۹۶)، ل<sup>۳</sup> (۸۴۱)، ب (۸۹۴) و س<sup>۲</sup> (۹۰۳). ولی در این جا نیز در ق<sup>۲</sup> میان این دو بیت ۲۱ بیت فاصله افتاده و در نتیجه ارتباط آنها از هم بریده شده است. همچنین در ل<sup>۳</sup> بیت دوم دارای ضبطی به کلی متفاوت است:

سرآمد کنون قصه بزدگرد      به ماه سفندارمذ (ل<sup>۳</sup>: مه) روز ارد  
 ز هجرت سه صد سال و هشتاد و چار      به نام جهانداور کردگار  
 ل<sup>۳</sup>: ز هجرت شده سیصد از روزگار      چو هشتاد و چار از برش بر شمار  
 باقی می ماند دستنویس پ (۸۴۴) که بیت نخستین را اصلاً ندارد و در بیت دوم تاریخ ۳۸۴ (: ز هجرت سه صد سال و هشتاد و چهار...) دارد. همچنین در ترجمه عربی بنداری از مضمون بیت نخستین اثری نیست و او نیز تاریخ پایان شاهنامه را ۳۸۴ گزارش کرده است. اکنون با در نظر گرفتن این که نه تنها اکثریت بزرگ دستنویسهای اساس تصحیح ما، بلکه کهن ترین و به نسبت معتبرترین آنها، تاریخ ۲۵ اسفند را در ارتباط با سال ۴۰۰ آورده اند، می توان گفت که به احتمال بسیار روز ۲۵ اسفند تاریخ پایان نهایی سرایش شاهنامه است. همچنین از آن جایی که بنداری قاعده نباید بیت نخستین را که شامل گزارش تاریخ روز است، در ترجمه حذف کرده باشد، پس محتمل است که دستنویس اساس او نیز مانند دستنویس پ بیت نخستین را اصلاً نداشته بود که این خود می تواند تأییدی بر این باشد که شاعر بیت مربوط به تاریخ روز را در ارتباط با سال ۴۰۰ گفته بود و نه در ارتباط با سال ۳۸۴.

از سوی دیگر، اگر در این پژوهش به سراغ دستنویسهای دیگری نیز برویم، ممکن است که حساب ما از نگاه شمار دستنویسهایی که یکی از دو تاریخ سال را دارند به هم بخورد. چنان که برای مثال از میان دستنویسهای دیگری که نگارنده معرفی کرده است،<sup>۴</sup> در ۱۰ دستنویس تاریخ ۲۵ اسفند در ارتباط با سال ۳۸۴ آمده است و در ۶ دستنویس در ارتباط با سال ۴۰۰. ولی با در نظر گرفتن این که این دستنویسها از اعتبار کمتری برخوردارند و بیت دوم را نیز به چند ضبط گزارش کرده اند،<sup>۵</sup> تغییری در نتیجه گیری ما نمی دهد. در هر حال نظر تقی زاده که بیت گزارش تاریخ روز را با سال ۳۸۴ مرتبط می داند،<sup>۶</sup> به سبب عدم دسترسی او در آن زمان به دستنویسهای ما و در نتیجه عدم شناخت درجه اعتبار آنها محتمل نیست.

در این جا به این نکته نیز باید توجه بدهم که نه در اصالت بیت گزارش تاریخ روز جای گمانی است و نه در اصالت دو بیتی که در گزارش تاریخ سال آمده اند، جز این که در

بیت گزارش تاریخ ۳۸۴، چنان که پیش از این اشاره شد، زیاد دست برده اند و در برخی از دستنویسها بیت را (نه تاریخ را) به کلی عوض کرده اند. همچنین در برخی از دستنویسها در این بخش پایان کتاب، بیت‌های الحاقی بسیاری چه از جاهای دیگر شاهنامه، چه از هجونا مه و چه از ساخته های بیگانه افزوده اند. در اصالت بیت گزارش تاریخ روز، این نکته را نیز اضافه کنم که این بیت عیناً به همین گونه در لغت فرس در گواه ارد آمده است. با این حال تقی زاده که گویا توجهی به لغت فرس نداشته، به ویژه بیت گزارش تاریخ روز را، یکی هم به این دلیل که مصراع دوم آن دو بار دیگر هم عیناً در شاهنامه آمده است<sup>۷</sup> «مشکوک» می داند. ولی در شاهنامه موارد دیگری نیز که تمامی یک مصراع و گاه یک بیت چند بار در کتاب تکرار شده باشد باز هم هست؛ هر چند موارد اصیل آن که کار قلم‌های بیگانه نیست، بسیار اندک و در یک اثر پنجاه هزار بیتی اجتناب ناپذیر است. از سوی دیگر، ایراد تقی زاده پرسش دیگری را مطرح می کند و آن این که آیا تکرار مصراع «به ماه سفندارمذ روز ارد» در سه جای مختلف کتاب، دلیلی بر این نیست که ما در این جا با ضرورت وزن و قافیه یا تکرار فورمولی در حماسه سر و کار داریم و نه با گزارش یک تاریخ واقعی؟ گذشته از این سه مورد، در سه مورد دیگر نیز واره ارد با نامهایی چون سیاوخش گرد، شاپورگرد و یزدگرد قافیه شده است<sup>۸</sup> که باز می توان احتمال داد که در این موارد نیز ضرورت قافیه سبب کاربرد ارد شده باشد و نه تاریخ ۲۵ اسفند.

از سوی دیگر، باید توجه داشت که فردوسی تنها شاعر نیست، بلکه مورخ نیز هست. از این رو گمان نمی رود که او به سبب ضرورت وزن و قافیه برای وقایع کتاب، تاریخی از خود ساخته باشد و دست کم می توان احتمال داد که آن یک موردی که شاعر از تاریخ روز پایان کتاب خود سخن می گوید، تاریخ به زیر چرخ وزن و قافیه نرفته باشد. همچنین این که شاعر پس از گزارش تاریخ روز، بلافاصله تاریخ سال را هم گزارش می کند، می تواند تأییدی بر درستی تاریخ روز باشد.

بخش تاریخ و فرهنگ خاور نزدیک، دانشگاه هامبورگ

### یادداشتها:

- ۱- اشاره تقی زاده به یک تاریخ دیگر، یعنی ۲۵ محرم ۳۸۹ (هزاره فردوسی: تهران ۱۳۶۲، ص ۱۰۴-۱۰۵)، گرفته از یک قطعه الحاقی ست و به کلی بی اعتبار. نگاه کنید به توضیح نگارنده در: ایران نامه ۲/۱۳۶۴، ص ۲۳۳ به جلو.
- ۲- درباره مشخصات این دستنویسها بنگرید به دفترهای شاهنامه، تصحیح نگارنده.
- ۳- ارد یک وامواژه پهلوی در فارسی ست. در پهلوی ارد به زیر یکم، ولی در شاهنامه همه جا به زیر یکم به کار رفته است. مگر آن که بگوییم شاعر در این جا اختلاف حدو که در عیوب قافیه اقواء می نامند، روا داشته است.

۴- بنگرید به: ایران نامه ۱۳۶۴.

۵- دو نمونه آن را در بالا دیدیم. در برخی دیگر از دستنویسها این بیت به این صورت آمده است:

گذشته از آن سال سیصد شمار بروبر فزون بود هشتاد و چار

۶- تقی زاده، همان جا، ص ۱۰۵. ولی اوسپس به درستی توضیح داده است که تاریخ ۲۵ اسفند، در صورتی که آن را با سال ۴۰۰ مرتبط بدانیم، مطابق ۲۰ رجب و ۸ مارس (سال ۱۰۱۰) است و نولدکه (حماسه ملی ایران، ص ۲۵) سهواً آن را برابر ۲۵ فوریه گرفته است.

۷- یکی در پادشاهی کیخسرو (چهارم ۲۰۹۲/۳۰۴):

همی رفت سوی سیاوخش گرد به ماه سفندارمذ روز ارد

و دیگر در آغاز پادشاهی یزدگرد (چاپ مسکو ۱/۳۱۱/۹):

چو بگذشت زو شاه شد یزدگرد به ماه سفندارمذ روز ارد

۸- شاهنامه، دوم ۱۶۸۷/۳۱۵؛ چاپ مسکو ۵۸/۱۹۸/۷ و ۱۹۱۶/۴۱۳/۷.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی